

سخنوران بافران

(گنج سخن)

علیرضا عرب بافرانی

عضو هیأت علمی دانشگاه بام نور

سرشناسه	: عرب بافرانی، علیرضا، ۱۳۵۷ --
عنوان و نام پدیدآور	: گنج سخن: تذکره سخنوران معاصر بافران/علیرضا عرب بافرانی.
مشخصات نشر	: تهران: اندیشه معاصر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۵ ص.
شابک	: 978-600-8872-24-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: سخنوران بافران.
موضوع	: شاعران ایرانی -- بافران -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه
موضوع	: Poets, Persian -- Iran -- Bafran -- 20th century -- Biography
موضوع	: نویسندگان ایرانی -- بافران -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه
موضوع	: Poets, Persian -- Iran -- Bafran -- 20th century -- Biography
موضوع	: شعر فارسی -- ایران -- بافران -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
موضوع	: Persian poetry -- Iran -- Bafran -- 20th century -- Collections
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷۸۸۴ ۷۹۴ع/
رده بندی دیویی	: ۰۰۹/۳۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۰۰۸۱۱۷



تشریف نشر

سخنوران بافران (گنج سخن)

نویسنده: علیرضا عرب بافرانی

ناشر: اندیشه معاصر

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اندیشه معاصر

چاپ و صحافی: معاصر

طراح جلد: وحید امیراحمدی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۲-۲۴-۵

فهرست مطالب

۷.....	سخن نخست
۱۳.....	فصل اول: تعاریف و مبانی نظری
۲۴.....	فصل دوم: (سخنوران بافران)
۲۵.....	بخش اول: شعر و شاعران
۲۶.....	فرج‌اله فروغی «پیشان»
۴۱.....	مجتبی پوریافرانی
۴۸.....	حسن انصاری پور «انصاری»
۵۱.....	علیرضا مفتاح «رضا»
۵۹.....	محسن عرب بافرانی «بها»
۶۵.....	حسین حسین‌زاده «تنها»
۷۱.....	ناصر پوریافرانی «ناصر»
۸۳.....	عابدین پوریافرانی «عابدین»
۹۲.....	حسن شکوهی فر بافرانی
۹۹.....	علیرضا عرب بافرانی «توکل»
۱۰۷.....	رضا خسروی نیا «دامع»
۱۱۲.....	محمد خُرم «خرم»

۱۱۹	جواد پوربافرانی «شیدا»
۱۳۰	اعظم عرب بافرانی
۱۳۶	محمد پوربافرانی
۱۴۱	میثم کاشف پور «امید»
۱۴۸	زهرا ساکی «لیلا»
۱۵۵	جمال امامی بافرانی
۱۶۰	ابوالفضل پوربافرانی
۱۶۳	حسین عرب بافرانی
۱۶۵	محمد پوربافرانی
۱۶۷	سعید خطیبی
۱۷۰	حبیب الله عربی بافرانی
۱۷۴	کریم حسینی بیا
۱۷۷	غلامرضا عرب بافرانی
۱۸۰	حسین امامی بافرانی «رنا»

بخش دوم: نویسندگان و مولفان

۱۸۳	علی اسلامی
۱۸۴	محمد حسین شهریار بافرانی
۱۸۶	حسین فروزان
۲۰۹	مریم بافرانی
۲۲۰	محمد علی رحیمی
۲۲۵	مهدی شهریار بافرانی
۲۳۱	سخن آخر

سخن نخست

بافران در پنج کیلومتری نایین در استان اصفهان قرار دارد. شهری است با پیشینه و تاریخی پر افتخار؛ زادگاه، علمای ادب و فرهیختگانی که به صورت شفاهی و سینه به سینه، گوشه‌هایی از هنر و ذوق ندادند. آن‌ها به ما رسیده است. در کتب مختلف از جمله «تاریخ نایین» از مردم این دیر و دلاوری و نیکی یاد شده است.^۱ حتی در کتاب مستطاب «تذکره سخنوران نایین» نیز به «ذوق ادبی مردان این خطه اشاراتی رفته است، هر چند مختصر و شاید در حکم «آذر کالمعدوم»، مانند شرح حال «ملا حسین» در حدود چهار سطر:

«اصلش از قریهٔ بافران از توابع نایین، تاریخ نایین می‌نویسد: وقتی در مجلس حاج محمد حسین، امام جمعهٔ اصفهان، به او قلیان نداده‌اند، گفته است:

آن حور صفت که در کف غلمان است در مجلس سلطان ما قلیان است
مار تنش از غریب سر می‌پیچد سبحان الله عقرب کجاست^۲

ملا حسین جزء شخصیت‌های نامدار زمان خود بوده و با دایی خود، امیرخان عرب بافرانی، در اجرای امور مذهبی و اجتماعی بافران و حتی برگزاری منظم مراسم عزاداری محرم و صفر در شهرستان نایین، نقش ارزنده‌ای داشته است.^۳ اشاره کوتاه کتاب «تذکره

۱ - تاریخ نایین، ص ۲۵

۲ - تذکره سخنوران نایین ص ۱۳۶

۳ - اشک کویر، ص ۱۴۵

سخنوران نایین» به این مساله، گویای این نکته است که نفوذ ملاحسین در مناسبات اجتماعی، باعث ذکر نام او شده، اما به خاطر محدوده جغرافیایی و اختصاص تذکره به شعرای نایین، از دیگر سخنوران بافران، نامی نیامده است. این فرضیه می‌تواند نشان از قدمت و پیشینه گسترده ذوق و هنر شاعری در بین مردم بافران باشد.

علاوه بر این با شنیدن امثال و حکم و سخنان آهنگین پیرزنان و پیرمردان بافران که با جان مایه‌های گویش محلی همراه است، پی به این نکته می‌بریم که مردم بافران، صاحب اندیشه‌های ناب ادبی هستند. این پشتوانه عظیم فرهنگی و مردمی، همراه با اندک ذوقی که داشتیم، مرا بر آن داشت تا به صورت جدی در این مسیر، گام بردارم. در رویای خود، محفلی را می‌دیدم که شاعران و ادیبان، گرد هم نشسته‌اند و به سرودن شعر و نقد و بررسی آن مشغول هستند. ساخت بنای باشکوه فرهنگسرای نیستانی بافران، رویایم را به واقعیت بدل کرد و اندیشه ثبت انجمن ادبی نیستان را به ذهنم، متبادر کرد. این مساله باعث شد تا انجمن ادبی نیستان بافران از سال ۱۳۸۶ همزمان با عید سعید قربان، با همکاری صاحبان اندیشه و ادب، شروع به کار کند.

از آن زمان تا کنون جلسات منظم و مستمر شعر خوانی و نقد در فرهنگسرای نیستانی برگزار می‌شود. با وجود آنکه بیشتر آثار مورد بررسی، کلاسیک و سنتی هستند، اما نمونه‌هایی از شعر نیمایی و سپید، اشعار به زبان محلی نایینی، دل نوشته، داستان، نمایشنامه، ترانه و... نوید بخش شکل‌گیری یک حرکت عظیم فرهنگی، ادبی و هنری در بین سخنوران بافران است. حرکتی که می‌تواند باعث شکل‌گیری سبک و سیاق خاص شاعران و ادیبان بافران باشد. این مساله زمانی شکل واقع بینانه تری به خود می‌گیرد که سخنوران بافران، کمر همت را ببندند و در کنار کمیت آثار به کیفیت کارهای خود نیز بیفزایند و نسبت به چاپ و نشر آثار، اقدام نمایند. به همین منظور، ریشه قصد ترغیب شاعران و صاحب سخنان و نیز دغدغه چند ساله ام، نسبت به ادبیات به زبان و ادبیات فارسی و زبان مادری، پس از چاپ «عروس کویر» به این وادی قدم گذاشتم. مساله‌ای که در کتاب عروس کویر نیز نسبت به ضرورت کتابی جداگانه در خصوص شعر و شاعری به آن اشاره شده است.^۱

با گذشت ده سال از عمر انجمن ادبی نیستان و با مطرح شدن چهره‌های جدید و

مستعد، این اندیشه از طرح و ایده به عمل تبدیل شد. کاری شگرف که با همکاری سخنوران بافران به منصفه ظهور پیوست. شاید با وجود گنجینه‌های گرانسنگ ادب فارسی، پرداختن به این گونه آثار، کم ارزش جلوه کند، ولی سونامی گسست نسل‌ها و شبیخون فرهنگی دشمن، ضرورت پاسداشت آداب و رسوم، زبان و گویش محلی و ادبیات فاخر محلی و منطقه‌ای را صد چندان می‌کند. بنابراین در کنار اشعار به زبان فارسی، بخشی از اشعار را به گویش محلی نایین و لهجه بافران، اختصاص دادیم. این کار علاوه بر حفظ این گویش از خطر نابودی و فراموشی، صاحبان این گویش و میراث گرانقدر را ترغیب می‌کند تا با علاقه و افتخار به زبان مادری خود صحبت کنند؛ زبانی که بیم ناردی آن را از سال‌ها پیش، گوشزد کرده‌اند.

بر این باوره که تداوم و استمرار چنین حرکت‌های فرهنگی و علمی می‌تواند شعر منطقه‌ای و محلی را به صورت ویژه به علاقه‌مندان به شعر و شاعری بشناساند. در کنار این مهم، قطعاً سطح بلاغی و استعداد جوانان و نوجوانان، بالا می‌رود و شکوفا خواهد شد. انس با میراث گرانبه‌ای زبان و ادب فارسی، باعث گسترش دامنه لغات، پرورش قدرت تخیل، تعالی روح و بروز احساسات پاک خواهد شد. شعرا با زبانی که مزین به هنرهای بلاغی است، اندیشه‌های بیک را به ما گوشزد می‌کنند. تاثیر این مواعظ و اندرزها را می‌توان بعد از گذشت هزاران سال در شعر شاعران طراز اول ادب فارسی مشاهده کرد. کلام، جاودانه می‌شود. زبان و آداب و رسوم، حفظ می‌شوند و از گردن باد و باران و گذر زمان در امان می‌مانند، تا آنجا که فوسق و الا مقام با کمال صلابت و فخامت می‌گوید:

ز باران و از ناپس افتاد	بناهای آباد گردد خراب
که از باد و باران نبید گرد	بی افکندم از نظم کاخی بلند
که تخم سخن را پراهنده‌ام	نمیرم از این پس که من زنده‌ام

در کنار همه این موارد، نباید از نقش مدارس و مکتب‌های قدیم، نظامیه‌ها، محافل و حلقه‌های علمی و ادبی که در شکل‌گیری جریان‌های ادبی- فرهنگی نقش به سزایی داشته‌اند، غافل ماند. در دوران کنونی نیز نقش چنین مراکزی به عنوان نقطه اتصال مجامع فرهنگ و ادب بر کسی پوشیده نیست. از جمله این مراکز که در تعالی فرهنگ بافران و نایین، جریان ساز بوده و نقطه عطفی در تعالی فرهنگی منطقه به حساب

می‌آید، فرهنگسرای نیستانی بافران است. بر خود می‌دانم پیش از هر چیز از سازنده آن سپاسگزاری کنم؛ جناب آقای حاج ابراهیم نیستانی در شکل‌گیری این بنا و تعالی آثار فرهنگی نه تنها در بافران که در شهرستان نایین و استان اصفهان جزء «و السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» هستند. خداوند در دو دنیا او را از لطف و رحمت واسعه اش سیراب کند. شعر زیر را آقای «جواد پوربافرانی» در افتتاحیه این بنا و به پاس اقدام ارزشمند ایشان سروده است:

مهد دانان

خدایش همنشین با مصطفی کرد
ز هر سازش، ترم جلوه‌ها کرد
تو گویی با منش این نغمه‌ها کرد
به بانگ نی رسالت را ادا کرد
که باقرآن ز لطفش با صفا کرد
صنم‌ها را به عالم خودنما کرد
که هم خصم دوز، تیری رها کرد
به صد سیدیت، جوانی را فنا کرد
بنایی بس عجل را بنا کرد
فقیران را به ناله اغنیا کرد
حقیقت را به اندام منما کرد
کسی کاو شور عشقی را به پا کرد
شهیدی انسردون جبهه‌ها کرد
جهانی را به سوییشت مقتدا کرد
که ایزد خود جزایش را عطا کرد
خوشا آن کس که خود را مبتلا کرد
جوانان را بدین سو رهنما کرد

کسی کاو مهد دانش را به پا کرد
شنیدم بلبل‌ی خوش‌بال‌ها اشت
شنیدم شعر بیدای نایان
نیستانی، نیستانی بنا کرد
نیستانی، نیستان را صفا کرد
در این وادی که آذرهای دوران
در این ماتم سرای عصر حاضر
جوانان را نشان رفتند از کین
ابرمردی به تدبیر و به احسان
بنایی کاو به جنّت راه دارد
سرای دانش و عرفان و ایمان
سرای آخرت را کرد روشن
نیستانی همان کردی که گویی
به‌ایثار و گذشت و مهر و احسان
چه گویم با زبان قاصر خویش
که دین از نور دانش روح گیرد
هزاران آفرین بر همتی کاو

به شیدایی نظر کردم زمانی
غلام همت آن نازنینم
مرا این جامه از حافظ ندا کرد
که کار خیر بی روی و ریا کرد
ز صالح باقی آمد صالحاتش
کسی کاو مهد دانش را به پا کرد

در پایان از مساعدت و همکاری جناب آقای دکتر عباسعلی پوربافرانی، نماینده محترم شهرستان های نایین و خور و بیابانک در مجلس شورای اسلامی، جناب آقای مهندس قوام فروزان، جناب آقای قدس الهی، مدیر محترم انتشارات اندیشه معاصر، شهردار و عضای محترم شورای اسلامی شهر بافران در دوره پنجم، دوستان عزیز و گرانقدرم ر انجمن ادبی نیستان بافران و کانون فرهنگی - هنری امیرالمومنین (علیه السلام) سپاسگزارم. صدرا شکیبایی همسر و فرزندان عزیزم فراغ بالم شد تا این برگ سبز، تحفه درویش را استل حضرت دوست، ارائه گردد. (جَزَاهُمْ اللهُ خَيْرًا)

هر چند که می دانم پارسل به درگاه سلیمان بردن است، اما رجاء واثق دارم که صاحب نظران، کاستی ها را با ید انتقادی و سازنده، یادآوری کنند تا اگر فرصت جبران مافات، دست داد، سپاسگزار لطف و احسان بی دریغشان باشم.

علیرضا عرب بافرانی

نایین - آبان ۱۳۹۷